

زندگی بدون استان ندارد - ۲

عباس عبدي

فرا تر از رشوه به افراد

به طور كلي براي فهم كيفيت رعايت استان ندارد در کشور کافي است به چند مورد از قديمي ترين استان داردها و وضعيت آن در ايران کنوني اشاره کنيم. پول، اوزان و دادرسي هميشه بايد استان ندارد باشند. اکنون پول ما فاقد استان ندارد کافي است و هر روز ارزش آن در حال کمتر شدن است. بي ارزش شدن پول مثل کم شدن عيار طلا و نقره در سکه هاي رایج دولتهای قديم است. البته آن دولتها اجازه چنين تخلفي را نمي دادند. همچنين اکنون عيار طلا و نقره تبديل به معضلي شده و فقط کارشناسان خبره از آن مطلع هستند و مردم عادي نمي توانند به عيار طلاها يا حتي سکه هاي موجود در بازار اطمینان کافي کنند. در مورد وزن هم که واقعا نوبر است. اخيرا فيلمي دیدم که وزن پودر لباسشويي را که نیم كيلو بايد باشد تا ۲۵ درصد کمتر در قوطي ريخته اند و ظاهرا هيچ مرجعي نيست که چنين متقلباني را نقره داغ کند. فقدان استان داردهای حقوقي و دادرسي هم که بي نياز از توضيح است، همين آقاي عبدالباقي نمونه روشن آن است. اينها سه مورد از استان داردهایي است که از هزاران سال پيش بايد رعايت ميشدند و اکنون وضع ما درباره آنها چنين است لذا بهتر است از استان داردهای جديد مثل ايربگ حرفي نزنيم که مسخره شده است.

علل سقوط سطح استان داردها فراوان است. ولي در اینجا به دو مورد آن يعني نوع خاصي از فساد و نیز فقدان رسانه آزاد و مستقل اشاره ميکنم. هنگامی که از فساد صحبت ميشود، ذهن مردم متوجه رشوه ميشود. البته اين درست است. ولي فسادهاي بدتر از رشوه هم داریم. کار خيرا!! حتما تعجب ميکنيد، چگونه کارهاي خيره مي تواند منشأ فساد باشد؟ در اين باره بايد گفت که امور خيره در جامعه اي که فاقد نظارت کافي و شفافيت است، بهترين زمينه براي انجام فسادهاي به ظاهر پاکيزه!! است. آیا تاکنون از خود پرسیده ايم که چرا يك نفر سرمايه دار که با انواع و اقسام شيوه ها از پرداخت ماليات فرار ميکند، همزمان تعدادي از پاسگاههاي کلان تري آبادان را ساخته يا نوسازي ميکند؟ يا چرا بايد به ساخت بناهاي قوه قضاييه و زندان کمک کند؟ اصولا مگر دولت بودجه ندارد که اين کار را به واسطه

افراد «خیر امنیت‌ساز»! انجام می‌دهد؟ یا برای ساخت اضافه بنای غیرقانونی همین ساختمان متروپل، شهرداری آبادان را هم شریک خود می‌کند. بگذریم از اینکه چه ارقامی از این امور به ظاهر خیریه به جیب اشخاص و مسوولان می‌رود. ولی دادگاه و پاسگاه و فرمانداری و شهرداری که باید در برابر شهروندان مستقل باشند و مانع تخلفات آنان شوند، چگونه می‌توانند درباره کسی که ولی‌نعمت آنان بوده مستقل باشند؟ کدام ساختمان زندان حاضر است سازنده خیر خود را به عنوان زندانی در چارچواری خود نگه‌دارد؟ در واقع نه فقط مسوولان بلکه نهادهای شهر و استان به نحوی رهین منتهای چنین فرد نیکوکاری! می‌شوند و این وضعیت و وابستگی امری مستمر در همه دولت‌ها خواهد شد. در هر دو دولت قبل و فعلی از عبدالباقی تقدیر می‌شود یک بار به عنوان چهره ماندگار صنعت ساختمان و یک بار هم به عنوان مدیر منتخب، که هر دو مورد هم با مَسما بودند!! به همین علت است که در این ماجرا سه شهردار بازداشت می‌شوند که نشان می‌دهد، تغییرات مدیریتی و سیاسی در شهرداری، در رفتار نظارتی شهرداران در برابر این فرد تأثیری نداشته است، چون این نهاد شهرداری است که استقلالش را در برابر او از دست داده بود. آن هم نهادی که آلونک یک پیرزن در حاشیه شهر را به علت تخلف از مقررات شهرداری تخریب می‌کنند، ولی اجازه می‌دهند که یک ساختمان بلندمرتبه در مرکز شهر و در خیابانی کم عرض و خلاف مقررات ساخته و در اجرا نیز ۴ طبقه بر اصل جواز اضافه شود و نظارت بر اجرا نیز چنان ضعیف است که حتی جوشکاری اتصالات در مسخره‌ترین شکل انجام شده است. تازه در تبلیغات این مجتمع برای فروش هم می‌گویند ساختمان ضد زلزله است!! زمین آبادان با اندکی حفاری به آب می‌رسد، با این حال، این ساختمان در ساخت طبقات زیرزمین هم تخلف داشته است!! اینها نشان می‌دهد که با وضعیتی فراتر از تخلفات موردی مواجهیم، نشان از یک فساد نظام‌مند عمیق و گسترده دارد که فهم و شعور و درک سازنده و مالک را نیز زایل می‌کند و دفتر خود را در ساختمانی قرار می‌دهد که بلای جان‌ش می‌شود. فسادی که همه قربانی آن می‌شوند.

ادامه دارد

منبع: روزنامه اعتماد 9 خرداد 1401 خورشیدی